

توزیع درآمد گردشگری روستایی بین بخش‌های کلیدی اقتصاد

میرحسین موسوی^۱، زمزم سادات اصل^۲، لاله سادات اصل^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۰

چکیده

گردشگری روستایی به عنوان فرآیندی در توسعه روستایی محسوب می‌شود که با ایجاد فعالیت‌های مکمل کشاورزی زمینه توسعه اقتصادی را از طریق بالا بردن توان درآمدزایی، اشتغال زایی و در نتیجه معیشت پایدار فراهم می‌آورد. در این راستا هدف این مقاله بررسی اثرات توزیع درآمدی گردشگری روستایی به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی است. برای این منظور از ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵ و تحلیل ضرایب فزاینده منتج از این ماتریس استفاده شده است. از مزیت‌های استفاده از این روش، امکان مطالعه اثرات توزیع درآمدی خانوارهای روستایی به تفکیک بخش‌ها است. این مدل با توجه به در نظر گرفتن کلیت اقتصاد تمام اثرات مستقیم و غیرمستقیم بین بخش‌های اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که توسعه زیربخش‌های گردشگری روستایی اثرات مثبت بر توزیع درآمد خانوارهای روستایی دارد.

واژگان کلیدی: توزیع درآمد، گردشگری روستایی، ماتریس حسابداری اجتماعی

طبقه بندی JEL: D33, L83, D57

۱ استادیار گروه اقتصاد دانشگاه الزهرا (س)

۲ کارشناس ارشد علوم اقتصادی - دانشگاه الزهرا(س) - نویسنده مسئول zm_sadatasl@yahoo.com

۳ دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی - دانشگاه پیام نور تهران

مقدمه

با توجه به اینکه سه چهارم فقیرترین مردم در روستاها زندگی می‌کنند (جانواری ۲۰۰۳)^۱ گردشگری روستایی می‌تواند فرصتی برای حمایت از فعالیت‌های سنتی از جمله: کشاورزی، صنایع دستی و محلی باشد. صنعت گردشگری یک صنعت کاربر است به همین دلیل توانایی ایجاد میلیون‌ها شغل برای جوامع روستایی دارد، ایجاد شغل در صنعت گردشگری ۱/۵ برابر هر بخش دیگر است. گردشگری یکی از سریع‌ترین صنایع در حال رشد جهان است، با متوسط رشد داخلی ۵/۶٪ بین سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۸۵ و ۳/۴٪ بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۵ و ۴/۳٪ بین سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۰. (سازمان گردشگری جهانی (۲۰۰۹)).

پرسش مهم این است؛ آیا توسعه گردشگری روستایی می‌تواند به عنوان راهی برای توزیع مزایای صنعت گردشگری و بهبود درآمد خانوارهای مناطق روستایی تلقی گردد؟ در ساده‌ترین شکل، تاثیر اقتصادی گردشگری روستایی از طریق تفاوت در اندازه‌گیری رفاه اقتصادی بین سطوح درآمدی بدون وجود فعالیت‌های گردشگری و سطوح درآمدی با وجود فعالیت‌های گردشگری مشخص می‌شود. اگر صنعت گردشگری بتواند در مناطق روستایی با عمل کردن به صورت مشارکت گسترده در فرایند توسعه روستایی توسعه یابد، در این صورت اثرات صنعت گردشگری بر بهبود توزیع درآمد تقویت می‌گردد. در این مطالعه سعی شده تا با استفاده از تکنیک پیوندهای پسین و پیشین جایگاه گردشگری در بین بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران رتبه بندی گردد.

مبانی نظری تحقیق

مفهوم گردشگری روستایی

گردشگری یکی از فعالیت‌های عمده اقتصاد جهانی است و عنصر مهم برای توسعه اقتصادی به دلیل تاثیر آن بر تولید اشتغال، بهبود و ارائه زیر ساخت‌ها، تولید درآمد مالیاتی، صادرات و تسریع در صلح جهانی است، گردشگران نقش مهمی در حفظ صنایع دستی (معرق کاری، چکش زنی (میخ زنی روی مس)، ابریشم و فرش دستبافت، بناهای تاریخی و معماری داشته‌اند.

مفهوم گردشگری روستایی در کشورهای مختلف دارای معانی متفاوتی است. در اروپا گردشگری روستایی معمولاً برای توصیف گردشگری کشاورزی (گردشگری مبتنی بر مزرعه) به کار برده می‌شود، اما در صورت لزوم همه فعالیت‌های گردشگری در نواحی روستایی را در بر می‌گیرد و توصیف می‌کند. به عنوان مثال؛ در فنلاند گردشگری روستایی، معمولاً به معنی اجاره دادن خانه‌های روستایی به گردشگران و تدارک مواد غذایی در روستا کنارهاست. در اسلوواکی مهمترین قالب گردشگری روستایی، سیاحت در مزارع خانوادگی است؛ جایی که مهمان به همراه خانواده کشاورز و در اتاق مهمان زندگی می‌کند. در یونان مهمترین خدمات گردشگری روستایی تأمین محل استراحت و صبحانه است که شامل منزل روستایی با لوازم سنتی آن و صبحانه سنتی است. (دربان، ۱۳۸۵) در مجارستان گردشگری دهکده ای رایج است و اصطلاحی ویژه برای روستاهای توریستی وجود دارد که فقط به فعالیت‌ها و خدمات تدارک دیده شده در روستاها اشاره دارد و در واقع، حاکی از نوعی گردشگری ارزان در آنجا و درگیر شدن در کشاورزی یا فعالیت‌های محلی دیگری است که چندان برای گردشگر معمول نیست. در هلند، گردشگری روستایی به معنی چادر زدن در مزرعه است، که در مسیر مجاور مزارع با فعالیت‌هایی نظیر قایق سواری، پیاده روی یا اسب سواری پیوند خورده است. (مردوچ و میله، ۱۹۹۹)^۱

در این صورت، با توجه به تعاریف ذکر شده از گردشگری روستایی، می‌توان گردشگری روستایی را نیز این گونه تعریف کرد: گردشگری روستایی می‌تواند به کلیه فعالیت‌ها و خدماتی گفته شود که به وسیله کشاورزان، مردم و دولت‌ها برای تفریح، استراحت و جذب گردشگران و نیز فعالیت‌هایی که به وسیله گردشگران در نواحی روستایی صورت می‌گیرد گفته شود، و تنها شامل گردشگری کشاورزی نمی‌شود، بلکه همه فعالیت‌هایی را که گردشگران در مناطق روستایی انجام می‌دهند، در بر می‌گیرد. گردشگری فرهنگی و گردشگری طبیعی از دیگر زیر مجموعه‌های گردشگری روستایی محسوب می‌شود. (افتخاری، ۱۳۸۴)

مزایای اقتصادی گردشگری روستایی در مناطق روستایی

بهبود توزیع درآمد و توسعه اقتصادی در روستاها

امروزه توزیع درآمد چه در مناطق شهری و چه روستایی مورد توجه ویژه ای قرار دارد. این موضوع در سال‌های اخیر جایگاهی ویژه در بحث‌های توسعه‌ی اقتصادی به خود اختصاص داده است. منظور از توزیع درآمد تشریح چگونگی سهم افراد یک کشور از درآمد ملی و میزان نابرابری درآمد در یک کشور می‌باشد. به عبارتی دیگر، توزیع درآمد درجه نابرابری موجود بین درآمد یک کشور را توصیف می‌کند. (مایکل تودارو، ۱۹۸۵)

اهمیت ایجاد توزیع درآمد متعادل یکی از اهداف مهم دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی می‌باشد. به همین دلیل لزوم ایجاد و توزیع عادلانه درآمد از طریق صنایع فقرزدا (صنایعی که رشد اقتصادی فقرزدا^۱ را به همراه داشته باشد) مورد توجه سیاست‌گذاران توسعه اقتصادی می‌باشد. یکی از مهم‌ترین صنایعی که کمک به بهبود توزیع درآمد می‌کند صنعت گردشگری بویژه گردشگری روستایی است.

در دهه گذشته دیده شده که سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی به تنهایی نمی‌تواند منجر به کاهش فقر شود و این رشد به نسبت برابر در مناطق روستایی علی‌رغم مزیت نسبی پایین است. بنابراین رسیدگی به معضلات، نیازهای روستائیان و ارتقای ترویج فعالیت‌های غیرکشاورزی اقتصاد روستایی مورد نیاز واقع شد. در این راستا گردشگری روستایی به عنوان یک فعالیت جدید و مکمل بخش کشاورزی رونق گرفت. گردشگری روستایی ابزاری برای توسعه اقتصادی همه جانبه (زیر بناها، ارتباطات، خدمات) در مناطق روستایی شد. در این راستا می‌توان به برخی از مناطق روستایی که زمانی دچار کاهش شدید جمعیت شده بودند و در حال حاضر تبدیل به مقصد گردشگری شده اند اشاره کرد: در آفریقا^۲، در کنیا^۳، در تانزانیا^۴، در بوتسوانا و در آفریقای جنوبی^۵ از معروفترین موارد هستند.

1. Pro-Poor Growth
2. Massai-Mara
- 3 the Ngorongoro Crater
- 4 .the Okavango Delta
- 5 .Kruger National Park

توسعه صنعت گردشگری بویژه در روستاها که با معضلاتی همچون بیکاری بالا، محدودیت منابع درآمدی، مهاجرت‌های روستایی، پایین بودن سطح بهره‌وری در بخش کشاورزی، فقدان زیربنای رفاهی و خدماتی مواجه هستند از اهمیت فراوانی برخوردار است. از این رو باید زمینه‌های توسعه گردشگری به عنوان یک استراتژی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی فراهم شود. صنعت گردشگری با خصایصی منحصر به فرد، دارای ویژگی‌هایی است که فرایند فقرزدایی را هدایت می‌کند. اهمیت رویکرد عدالت محورانه در توزیع امکانات و خدمات و هم چنین ایجاد برابری در توزیع درآمد از مشخصه‌های اصلی توسعه اقتصادی و فقرزدایی محسوب می‌شود. (اشلی و مکسول، ۲۰۰۱)^۱

تجربه صنعت گردشگری در اقتصاد کشورهای در حال توسعه:

در حال حاضر کشورهای در حال توسعه سهم کوچکی (حدود ۳۰ درصد) از بازار بین‌المللی گردشگری را در اختیار دارند، در عین حال سهم آنان در این بازار همواره در حال رشد است. ورود گردشگران بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه به طور متوسط از سال ۱۹۹۰ سالانه ۹/۵ درصد رشد داشته و این رقم نسبت به رشد ۴/۶ درصدی کل گردشگران در سراسر جهان قابل تأمل است. درآمد حاصل از صنعت گردشگری ۱۰ درصد از کل درآمد صادراتی کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دهد. سهم گردشگری در تولید ناخالص داخلی در کشورهای مختلف از ۳ تا ۵ درصد در نپال و کنیا تا ۲۵ درصد در جامائیکا متفاوت است و سهم اشتغال بین ۶ تا ۷ درصد در هندوستان و آفریقای جنوبی برآورد شده است. اهمیت اقتصادی صنعت گردشگری در کشورهای مختلف تا حدود زیادی متفاوت است، با این وجود، در اقتصادهای وابسته به صنعت گردشگری به عنوان مثال؛ در فیجی، صنعت گردشگری بزرگترین منبع ارزی و مهم‌ترین منبع تجاری اشتغال به شمار می‌رود، (۲۶ درصد از کل درآمد حاصل از صادرات و ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی). (اوپرمن و سانگ، ۱۹۹۷)^۲

1. Ashley and Maxwell, 2001

2. Chon 1997. Martin Opperman, Sung

مواد و روش‌ها

تکنیک تحلیل پیوندهای بین بخشی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی

معنی پیوند همانطور که از نامش پیداست میزان وابستگی یک بخش به بخش دیگر را نشان می‌دهد، این وابستگی می‌تواند بصورت وابستگی یک بخش به تهیه کنندگی نهاد برای آن بخش باشد و یا بصورت وابستگی از جهت نحوه توزیع کالاهای تولید شده توسط آن بخش باشد. پیوندها دو گروه عمده دارند: پیوندهای پسین (پیوندهای طرف تقاضا) و پیوندهای پیشین (پیوندهای طرف عرضه).

پیوندهای پسین و پیشین ظرفیت بالقوه بخش‌ها در تحرک بخشیدن به دیگر بخش‌های اقتصاد می‌باشند و لذا بخش‌های اقتصادی که دارای بیشترین ارتباطات پسین و پیشین می‌باشند به عنوان بخش‌های کلیدی اقتصاد شناخته می‌شوند. به بیان دیگر فعالیت‌هایی که دارای قوی‌ترین ارتباطات پسین و پیشین هستند، بخش‌های کلیدی اقتصاد تلقی می‌گردند. زیرا با تمرکز منابع تولیدی (کار و سرمایه) در این بخش‌ها، موجبات رشد سریع‌تر سایر بخش‌های اقتصادی و رشد و توسعه اقتصادی در سطح کلان و ملی فراهم می‌گردد. این نوع پیوندها به طور کلی، اثر تغییرات تقاضای نهایی را بر سیستم ساختار تولیدی بخش‌های مختلف اقتصاد نشان می‌دهد.

شاخص پیوند پسین

شاخص پیوند پسین برای هر بخش، از نسبت جمع هزینه‌های واسطه‌ای بخش بر کل ستانده بخش محاسبه می‌شود. سه نوع پیوند پسین قابل محاسبه است؛ پیوند پسین مستقیم (DBL_j) ، پیوند پسین مستقیم و غیر مستقیم $(DIBL_j)$ و پیوند پسین مستقیم و غیر مستقیم نرمال شده (BL_j) . پیوند پسین مستقیم بخش j ام جمع ستونی ماتریس A است. $\sum_{i=1}^n a_{ij} < 1$. DBL_j هر چه بزرگتر باشد نشان می‌دهد بخش j برای تامین نهاد پیوند و وابستگی بیشتر با بخش‌های دیگر دارد. پیوند پسین مستقیم و غیرمستقیم $1 > \sum_{i=1}^n l_{ij} = DIBL_j$ است، این پیوند نشان می‌دهد برای اینکه یک واحد تقاضای نهایی بخش j ام افزایش یابد به چه میزان از تولیدات بخش‌های دیگر به طور مستقیم و غیرمستقیم نیاز است، در واقع وابستگی را نشان می‌دهد. آن شاخصی که از همه بزرگتر است مورد نظر است.

پیوندهای پسین به صورت متوسط جمع ستونی ماتریس معکوس لئونتیف به متوسط کل اقتصاد که همان پیوندهای نرمال شده است، به صورت زیر بدست می‌آید:

$$\begin{bmatrix} W_{11} & \cdots & W_{12} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ W_{n1} & \cdots & W_{nn} \end{bmatrix} w_{ij} = \frac{z_{ij}}{x_j} \quad BL_j = N \frac{\sum_i w_{i,j}}{\sum_j \sum_i w_{i,j}}$$

که در آن $W = (I - A)^{-1}$ ماتریس معکوس لئونتیف است، هر عنصر ماتریس W ، $w_{i,j}$ نمایانگر افزایش در تولید صنعت i است که داده‌های مورد لزوم برای یک واحد از تقاضای نهایی در صنعت j ایجاد شده است. رابطه فوق در واقع متوسط نیازهای واسطه مستقیم و غیرمستقیم هر فعالیت را به متوسط کل نظام اقتصادی به ازای افزایش یک واحد تقاضای نهایی نشان می‌دهد.

شاخص پیوند پسین میزان وابستگی هر بخش را به بخش‌های دیگر نشان می‌دهد و بیان می‌دارد که بخش مورد نظر برای هر واحد تولید چه مقدار از محصولات سایر بخش‌ها را به عنوان نهاده‌های واسطه‌ای مصرف می‌کند. به بیان دیگر، این شاخص، مبین شدت و اندازه پیوندهای بخش مورد نظر با دیگر بخش‌های اقتصاد در زمینه خرید نهاده‌های واسطه‌ای است. این شاخص از نسبت مجموع هزینه‌های واسطه‌ای مورد نیاز هر بخش به تولید کل آن بخش بدست می‌آید. شاخص پیوند پسین، میزان عرضه محصول یک بخش را برای استفاده در سایر بخش‌ها نشان می‌دهد و به عبارت بهتر معیاری برای سنجش نیازمندی سایر بخش‌ها به ستانده یک بخش خاص می‌باشد. لذا هر چه این شاخص در یک بخش بزرگتر باشد، سرمایه‌گذاری در آن بخش از اولویت بالاتری برخوردار بوده و توسعه آن، محرک توسعه سایر بخش‌ها به شمار خواهد آمد. ضرایب پیوستگی پسین از دو بخش ارتباط مستقیم و غیر مستقیم تشکیل می‌شود. ضرایب پیوستگی مستقیم پسین، اثر بخشی مستقیم تغییرات تقاضای نهایی هر بخش را بر نظام تولیدی بخش‌های دیگر نشان می‌دهد که از جمع ستونی عناصر ماتریس ضرایب فنی به دست می‌آید. چنانچه جمع ستونی عناصر ماتریس معکوس لئونتیف را محاسبه نماییم، مجموع ضرایب پیوستگی مستقیم و غیر مستقیم بدست می‌آید.

در رابطه فوق BL_j همان شاخص پیوند پسین بخش j با دیگر بخش‌هاست. این شاخص برای بخشی مانند j از تقسیم نمودن جمع ستون j ام ماتریس ضریب‌های فنی لئونتیف بر جمع کل ستون‌های این ماتریس به دست می‌آید. حال اگر $BL_j \geq 1$ باشد، بخش مزبور در مقایسه با میانگین صنایع دیگر، ارتباط بیشتری را با بخش‌های دیگر در زمینه خرید نهاده واسطه از آنها دارد. اما اگر $BL_j < 1$ باشد، پیوند و نهاده‌های واسطه استفاده شده از بخش‌های دیگر در بخش j از متوسط کل بخش‌ها کمتر است.

شاخص پیوند پیشین

شاخص پیوند پیشین برای هر بخش نشان می‌دهد که محصول نهایی یک بخش، به چه میزان در بخش‌های دیگر به عنوان نهاده واسطه استفاده می‌شود. در واقع نشان دهنده این است که بخش‌های دیگر اقتصادی چقدر به بخش مورد مطالعه ما نیاز دارند. به تبع بحثی که در پیوند پسین داشتیم، سه نوع پیوند پیشین قابل محاسبه است؛ پیوند پیشین مستقیم (DFL_i) ، پیوند پیشین مستقیم و غیرمستقیم $DIFL_i$ و پیوند پیشین مستقیم و غیرمستقیم نرمال شده FL_i .
 $DFL_i = \sum_{j=1}^n C_{ij}$ که بنا بر تعریف کوچکتر از یک است. $= \sum_{j=1}^n (I - c)_{ij}^{-1}$
 $DIFL_i$ بزرگتر از یک است. پیوند پیشین مستقیم و غیرمستقیم نرمال شده بر اساس مبادلات جاری بین بخشی j و i به صورت زیر است:

$$\begin{bmatrix} c_{11} & \dots & c_{12} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ c_{n1} & \dots & c_{nn} \end{bmatrix} \quad c_{ij} = \frac{z_{ij}}{x_i} \quad FL_i = N \frac{\sum_j c_{i,j}}{\sum_i \sum_j c_{i,j}}$$

که در آن $C = (I - c)^{-1}$ ماتریس ضریب‌های معکوس لئونتیف است. این شاخص نشان می‌دهد که چند درصد از محصولات بخش مورد نظر به عنوان کالای واسطه‌ای مورد تقاضای سایر بخش‌ها قرار می‌گیرد. هر چه تولیدات یک بخش در سایر بخش‌های اقتصاد به عنوان نهاده‌های واسطه‌ای بیشتر مورد استفاده قرار گیرد، شاخص پیوند پیشین آن بخش نیز بیشتر خواهد بود و می‌توان گفت که رشد بخش مورد نظر از رشد سایر بخش‌های اقتصادی بیشتر تأثیر می‌پذیرد. در واقع این شاخص نشان می‌دهد که محصول نهایی یک بخش، به چه میزان در بخش‌های دیگر به عنوان نهاده واسطه استفاده می‌شود. ضرایب پیوستگی پیشین از دو بخش

ارتباط مستقیم و غیر مستقیم تشکیل می‌شود. ضرایب پیوستگی مستقیم پیشین، به محاسبه و شناسایی بخش‌های کلیدی به روش پیوندهای پیشین می‌پردازد. در واقع آثار مستقیم تغییرات بالقوه بخش‌های پایین دستی را بر نظام تولیدی بخش بالادستی نشان می‌دهد که از جمع سطری عناصر ماتریس ضرایب تولید به دست می‌آید. چنانچه جمع سطری عناصر ماتریس معکوس ضرایب تولید را محاسبه نماییم، مجموع ضریب پیوستگی مستقیم و غیر مستقیم پیشین به دست می‌آید. در واقع شاخص پیوند پیشین میزان تقاضای یک بخش را برای استفاده از تولید سایر بخش‌ها معین می‌سازد و لذا هر چه این شاخص در یک بخش بزرگتر باشد، سرمایه‌گذاری در آن بخش منافع بیشتری را نصیب سایر بخش‌های اقتصادی نموده و موجب رونق آن بخش‌ها خواهد شد. شاخص پیوند پیشین از تقسیم نمودن مجموع ردیفی ماتریس ضریب‌های فنی لئونتیف در بخش مورد نظر بر مجموع کل ردیف‌ها به دست می‌آید. اگر $FL_i \geq 1$ باشد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مقایسه با متوسط کل بخش‌ها، محصول بخش i مصرف بیشتری را به عنوان نهاده واسطه در بخش‌های دیگر دارد و اگر $FL_i < 1$ باشد، عکس این قضیه صادق است.

به کمک این پیوندهای کلیدی شناسایی می‌شود و ساختار اقتصادی یک اقتصاد مشخص می‌گردد. بخش کلیدی به بخشی گفته می‌شود که هم از طرف عرضه و هم از طرف تقاضا بالاترین پیوند را دارا باشد. یعنی FL_i و BL_j بزرگتر از یک باشد. جدول (۱) به منظور شناسایی بخش‌های کلیدی به کار می‌رود:

جدول (۱): جدول مربوط به شناسایی بخش‌های کلیدی اقتصاد

پیوند	$BL_j > 1$	$BL_j < 1$
$FL_i > 1$	بخش کلیدی (محرك)	از نظر عرضه بخش کلیدی
$FL_i < 1$	از نظر تقاضا بخش کلیدی	بخش کاملاً غیر کلیدی

آنچه که مورد نظر برنامه ریزان است بخش اول است، تا بتوانند تغییرات در بخش های اقتصادی را شناسایی کنند. بخش های کلیدی هم در طول زمان و هم به صورت مقطعی قابل بررسی است.

بررسی توزیع درآمد در ماتریس حسابداری اجتماعی

ماتریس حسابداری اجتماعی ماتریس مربعی است و مجموعه ای از حساب ها را نشان می دهد که جریان های درآمدی و هزینه ای را بین فعالیت های تولیدی، عوامل تولید و مؤسسات (نهادهای اجتماعی و اقتصادی) توصیف می نماید. این ماتریس جریان های پولی را از طریق ستون ها (هزینه ها) و ردیف ها (درآمدها) انجام می دهد، به طوری که مجموع هزینه ها (ستون ها) و دریافتی ها (ردیف ها) برابر می باشند. ماتریس حسابداری اجتماعی جزء مدل هایی است که تمام بخش های تولیدی، عوامل تولید و نهادهای اجتماعی و اقتصادی را در بر گرفته و از این رو ساختار جامعی برای مطالعه اجزاء درآمد ملی فراهم می آورد. در این مدل چگونگی شکل گیری جریان درآمد و هزینه حساب های موجود مشخص می شود. برای مثال این ماتریس نشان می دهد که درآمد فعالیت های تولید چگونه شکل گرفته و در چه راهی هزینه می شوند. نهادهای اقتصادی و اجتماعی از جمله خانوارها و دولت درآمد خود را از چه منابعی به دست می آورند و آن را در چه اموری مصرف می نمایند. از سوی دیگر نشان می دهد که درآمد عوامل تولید از چه بخش هایی و با چه نسبت هایی به دست آمده و چگونه در بین نهادهای اجتماعی و اقتصادی توزیع می گردد. بنابراین بر خلاف جدول داده - ستانده که تنها بر ارتباطات تولید متمرکز است، ماتریس حسابداری اجتماعی علاوه بر بخش های تولید، نهادهای اجتماعی و اقتصادی (خانوارها، دولت و شرکت ها) و عوامل تولید را در بر گرفته و چگونگی ایجاد و توزیع درآمد آنها را نشان می دهد، بطوری که چنین مدلی جزئیات بیشتر و کاملتری از تعیین درآمد را در مقایسه با روش های سنتی اقتصاد کلان و جدول داده - ستانده در اختیار می گذارد. از این رو از تجزیه ضرایب فزاینده ماتریس حسابداری اجتماعی برای مطالعه آثار توزیع درآمدی استفاده می شود.

ورودی‌ها خروجی‌ها	جمع ورودی‌ها	حسابهای برونزا	جمع ورودی‌ها
حساب‌های درونزا	$N^{(1)}$	$X^{(2)}$	Y^d
حساب‌های برونزا	$L^{(3)}$	$R^{(4)}$	Y^x
جمع خروجی‌ها	\hat{Y}^d	\hat{Y}^x	

در جدول فوق کلیه حسابهای ماتریس حسابداری اجتماعی به دو حساب کلی درونزا و برونزا در چهار ناحیه ۱، ۲، ۳، ۴ سازماندهی شده است. حسابهای درونزا عبارت اند از: حساب تولید، حساب عوامل تولید و حساب جاری نهادهای داخلی جامعه (خانوارها و شرکتهای). حسابهای برونزا عبارتند از: حساب دولت، حساب سرمایه، حساب دنیای خارج، مالیات‌های غیرمستقیم و یارانه‌ها. در این جدول، N یک ماتریس مربع است و کلیه مبادلات جاری بین حسابهای N جمع تقاضای واسطه و e یک بردار ستونی واحد است. n جمع ستونی ماتریس N است. عناصر آن N_{ij} و اندیس‌های i, j تعداد حسابهای درونزا در ناحیه ۱ را نشان می‌دهد.

$$i, j = ۳, ۱, ۲$$

X در ناحیه ۲، ماتریس اقلام تزریقی حسابهای برونزا را بیان می‌کند. $Xe = x$ و عناصر آن x_i است. به طوری که $i = ۳, ۲, ۱$ است.

Y^d جمع درآمد حسابهای درونزا را نشان می‌دهد. عناصر آن Y_i^d است که جمع درآمد حساب درونزای i ام را بیان می‌کند. L در ناحیه ۳ ماتریس اقلام نشتی‌های حسابهای برونزا است. جمع ستونی آن $él = L$ است و e یک بردار سطری واحد است. عناصر آن l_j است به طوری که $j = ۱, ۲, ۳$ است. اقلام نشتی سه حساب درونزا است. R در ناحیه ۴، مبادلات بین

حساب‌های برونزا با حساب‌های برونزا را بیان می‌کند، که معمولاً به صورت یک قلم پسماند محاسبه می‌شود. \hat{Y}^d جمع هزینه حساب‌های درونزا و عناصر آن با \hat{Y}_j^d نشان داده می‌شود. Y^x و \hat{Y}^x به ترتیب، جمع درآمد و جمع هزینه حساب‌های برونزا را نشان می‌دهند. بنابراین، در چارچوب نظام حسابداری اقتصادی، جمع اقلام ورودی (درآمدهای) هر حساب درونزا یا برونزا باید با جمع اقلام خروجی (هزینه‌های) آنها در یک سال مالی برابر باشد؛ یعنی: $Y^x = \hat{Y}^x$ و $\hat{Y}^d = Y^d$ باشد. (بانویی، ۱۳۸۴)

یافته‌های تحقیق

تحلیل پیوندهای پسین و پیشین و تعیین بخش کلیدی در اقتصاد

همانطور که گفته شد به کمک ماتریس معکوس لئونتیف می‌توان پیوندهای پسین و پیشین بخش‌های اقتصاد را با یکدیگر نشان داد، بدین منظور با جمع ستونی عناصر ماتریس معکوس لئونتیف برای هر بخش شاخص پیوند پسین بدست می‌آید. این شاخص بیانگر اثرات مستقیم و غیرمستقیم افزایش یک واحد تقاضای نهایی در بخش مورد نظر بر تولیدات بخش‌های دیگر اقتصاد می‌باشد. به عبارت بهتر شاخص مذکور نشان می‌دهد که استفاده از ستانده بخش‌های دیگر به عنوان نهاده واسطه در بخش مورد نظر، در مقایسه با متوسط تمام بخش‌های اقتصاد به چه میزان می‌باشد. به بیان دیگر این شاخص مبین اندازه پیوندهای بخش مورد نظر با دیگر بخش‌ها در زمینه خرید نهاده‌های واسطه‌ای از آن بخش‌ها می‌باشد. از این رو هرچه شاخص مذکور برای یک بخش بزرگتر باشد، بخش مذکور از طرف تقاضا دارای نقش برجسته‌تری در اقتصاد کشور می‌باشد. جدول شماره (۲) نتایج محاسبه شاخص پیوند پسین و رتبه بخش‌های اقتصاد را بر اساس این شاخص نشان می‌دهد. در ماتریس حسابداری اجتماعی بخش گردشگری از ادغام بخش‌های خدمات حمل و نقل جاده‌ای مسافر، خدمات حمل و نقل مسافر با راه آهن، خدمات اقامتگاه‌های عمومی، خدمات محل‌های صرف غذا و نوشیدنی و خدمات حمل و نقل هوایی بدست آمده است.

جدول ۲ - شاخص پیوند پسین و رتبه بخش‌های اقتصاد بر اساس آن

رتبه	شاخص پیوند پسین	نام بخش	بخش
۲	۳/۷۶۰	کشاورزی	۱
	۳/۳۳۵	معادن	۲
	۳/۲۹۸	برق	۳
	۳/۴۸۰	آب	۴
	۳/۲۸۸	گاز	۵
۱	۴/۴۰۴	صنایع وابسته به کشاورزی	۶
	۳/۰۹۲	سایر صنایع	۷
۳	۳/۷۱۷	گردشگری	۸
۴	۳/۶۸۰	عمده فروش و خرده فروش	۹
	۳/۰۰۳	خدمات حمل و نقل بار	۱۰
۵	۲/۶۳۵	ارتباطات	۱۱
	۳/۰۸۱	خدمات مالی	۱۲
	۳/۱۲۸	خدمات تحقیق و توسعه	۱۳
۶	۳/۶۲۸	خدمات صنعتی	۱۴
	۳/۴۱۷	خدمات اجتماعی و فرهنگی	۱۵
	۲/۷۴۹	تامین اجتماعی	۱۶
	۳/۴۴۰	آموزش	۱۷
۷	۳/۵۱۲	بهداشت و درمان	۱۸
	۳/۴۳۴	خدمات امنیت و دفاع ملی	۱۹
	۲/۷۷۸	سایر خدمات	۲۰

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق جدول شماره (۲)، پیوند پسین بخش صنایع وابسته به کشاورزی بزرگتر از سایر بخش‌های اقتصاد و برابر با ۴/۴۰۴ می‌باشد. پس از بخش مذکور، صنایع کشاورزی و صنعت گردشگری رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. این رقم در واقع نشان دهنده اثر افزایش یک واحد تقاضای نهایی در بخش گردشگری بر تولیدات سایر بخش‌های اقتصاد می‌باشد. به عبارت بهتر نتایج بدست آمده از پیوند پسین نشان می‌دهد که استفاده از ستانده بخش‌های دیگر به عنوان نهاده واسطه در بخش گردشگری، در مقایسه با متوسط تمام بخش‌های اقتصاد به چه میزان است. بر اساس شاخص مذکور، بخش‌های ارتباطات و تامین اجتماعی پائین‌ترین رتبه‌ها را دارا می‌باشند.

برای محاسبه شاخص پیوند پیشین از ماتریس معکوس ضرایب مستقیم ستانده استفاده می‌شود، جمع سطری عناصر این ماتریس شاخص پیوند پیشین را بدست می‌دهد. هر اندازه که یک بخش برای سایر بخش‌های دیگر نهاده واسطه بیشتری تولید کند، شاخص پیوند پیشین آن بیشتر است و بخش مذکور از طرف عرضه دارای نقش برجسته‌تری در اقتصاد کشور می‌باشد. جدول شماره (۳) نتایج محاسبه شاخص پیوند پیشین و رتبه بخش‌های اقتصاد را بر اساس این شاخص نشان می‌دهد.

جدول ۳ - شاخص پیوند پیشین و رتبه بخش‌های اقتصاد بر اساس آن

رتبه	شاخص پیوند پیشین	نام بخش	بخش
۲	۵/۹۴۱	کشاورزی	۱
۶	۳/۲۳۰	معادن	۲
	۱/۷۲۸	برق	۳
	۱/۲۶۴	آب	۴
	۱/۱۲۲	گاز	۵
۴	۴/۳۹۸	صنایع وابسته به کشاورزی	۶
۱	۹/۷۷۴	سایر صنایع	۷
۳	۵/۳۵۳	گردشگری	۸
	۲/۳۶۸	عمده فروش و خرده فروش	۹
۷	۲/۴۵۵	خدمات حمل و نقل بار	۱۰
	۱/۳۰۳	ارتباطات	۱۱
۵	۳/۲۵۹	خدمات مالی	۱۲
	۱/۰۷۷	خدمات تحقیق و توسعه	۱۳
	۲/۰۷۲	خدمات صنعتی	۱۴
	۱/۴۰۵	خدمات اجتماعی و فرهنگی	۱۵
	۱/۰۳۹	تامین اجتماعی	۱۶
	۲/۰۱۶	آموزش	۱۷
	۱/۸۴۷	بهداشت و درمان	۱۸
	۱/۷۹۰	خدمات امنیت و دفاع ملی	۱۹
	۱/۶۸۵	سایر خدمات	۲۰

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق جدول شماره (۲)، پیوند پیشین بخش سایر صنایع بزرگتر از سایر بخش‌های اقتصاد و برابر با ۹/۷۷۴ می‌باشد. پس از آن، صنایع کشاورزی و صنعت گردشگری، رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس شاخص مذکور، بخش‌های تامین اجتماعی و خدمات

تحقیق و توسعه پائین ترین رتبه‌ها را دارا می‌باشند. طبق جدول (۱) همانطور که گفته شد بخشی که بالاترین پیوند پسین و پیشین را نسبت به دیگر بخش‌های اقتصاد دارا باشد، بخش کلیدی محسوب می‌شود. در نتیجه با استفاده از شاخص‌های پیوند پسین و پیشین، صنعت گردشگری جزو سه بخش نخست کلیدی اقتصاد کشور محسوب می‌شود.

بررسی اثرات توزیع درآمدی بخش گردشگری در خانوارهای روستایی

برای بررسی اثرات توزیع درآمد باید ضرایب فزاینده درآمد از ماتریس حسابداری اجتماعی تجزیه و سپس با استفاده از مدل بیان شده این آثار بر فعالیت‌های تولید، عوامل تولید و خانوارها مورد بررسی قرار گیرند. ماتریس حسابداری اجتماعی نشان می‌دهد خانوارها درآمد خود را از چه منابعی به دست می‌آورند و آن را در چه اموری مصرف می‌نمایند. از سوی دیگر نشان می‌دهد که درآمد عوامل تولید از چه بخش‌هایی و با چه نسبت‌هایی به دست آمده و چگونه در بین نهادهای اجتماعی و اقتصادی توزیع می‌گردد.

جدول شماره ۴- ضریب فزاینده درآمد خانوارهای روستایی

خانوار روستایی	صنعت گردشگری	خدمات حمل و نقل	کل اقتصاد
پنجک اول	۰/۰۲۰	۰/۰۱۲	۰/۰۳۳
پنجک دوم	۰/۰۳۹	۰/۰۲۴	۰/۰۶۰
پنجک سوم	۰/۰۶۱	۰/۰۳۷	۰/۱۰
پنجک چهارم	۰/۰۸۹	۰/۰۵۵	۰/۱۴۹
پنجک پنجم	۰/۲۴۳	۰/۱۵	۰/۴۵
۰/۱۶۲			

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۴) نتایج تغییر یک واحد تقاضای نهایی بر درآمد نسبی بخش‌ها را نشان می‌دهد. در واقع می‌گویند با افزایش یک واحد در تقاضای نهایی برای کالاهای هر بخش چقدر برای هر خانوار درآمد ایجاد می‌گردد. ضریب فزاینده درآمد خانوارهای روستایی بدست آمده از ماتریس معکوس لئونتیف در پنجگانه پنجم درآمدی بیشتر از سایر گروههای درآمدی است. پنجگانه پنجم شامل گروههای پر درآمد در خانوارهای روستایی می‌باشد. از سوی دیگر ایجاد درآمد در میان پنجگانه‌های درآمدی در خانوارهای روستایی در بخش گردشگری، نسبت به بخش خدمات حمل و نقل و صادرات کالا در همه گروههای درآمدی بیشتر است و این امر نشان‌دهنده اهمیت صنعت گردشگری در ایجاد درآمد برای خانوارهای روستایی است.

نتیجه‌گیری

در ادبیات اقتصاد توریسم گردشگری روستایی به عنوان فرآیندی در توسعه روستایی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند در قالب سیاست‌های توسعه منطقه‌ای و محلی امکان توزیع عادلانه خدمات و تسهیلات عمومی را در مناطق روستایی ایجاد نماید نتیجه این فرآیند بهبود کیفیت زندگی، کاهش مهاجرت روستاها به شهرها و در نتیجه پایداری معیشت خانوارهای روستایی خواهد بود. بر این اساس در رویکردهای جدید توسعه روستایی بر جایگاه گردشگری خیلی تاکید شده است.

معمولاً سیاست‌گذاران اقتصادی مایلند پیش از اعمال سیاست‌های مختلف، آثار احتمالی آن را پیش‌بینی و نتایج آن را تجزیه و تحلیل کنند و در صورت نامطلوب بودن جنبه‌هایی از آن در سیاست‌های مزبور تجدید نظر به عمل آورند. این امر موجب می‌شود که سیاست‌گذاران و مجریان بخش‌های مختلف اقتصادی کشور غافلگیر نشده و در فرآیند کار، از قدرت پیش‌بینی و کنترل برخوردار باشند. اما ابزارها و روش‌هایی که برای ارزیابی آثار و تبعات سیاست‌های مختلف بکار برده می‌شوند با توجه به اهداف مورد نظر و ماهیت مطالعات، متفاوت می‌باشد و هر یک از ابزارها مزایا و محدودیت‌هایی را دارند. بر این اساس باید در انتخاب ابزارها نهایت دقت را به عمل آورد تا نتایج بدست آمده از حداقل تورش برخوردار باشند. با توجه به تاثیرگذاری و تاثیرپذیری بخش‌ها و بازارهای مختلف اقتصادی از همدیگر، ضروری است آثار

سیاست‌های اقتصادی با در نظر گرفتن تعاملات کلیه بازارها و بخش‌های مختلف اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، چرا که با تاثیرپذیری یکی از متغیرهای اقتصادی به جهت تعاملات متعدد در اقتصاد، همه سیستم اقتصادی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. در این راستا در این مقاله سعی بر این شد که اثرات توزیع درآمدی ناشی از گردشگری روستایی بر به تفکیک زیر بخش‌های اقتصادی با استفاده از ماتریس اجتماعی و اقتصادی پرداخته شود.

نتایج برآورد ضرایب فزاینده درآمد خانوارهای روستایی و تجزیه آنها نشان داد که در بین بخش‌های تولیدی بخش گردشگری نه تنها به لحاظ پتانسیل بالا در ایجاد اشتغال در خود بخش و در سایر بخش‌های اقتصادی در خور توجه است، بلکه به دلیل آنکه بخش قابل توجهی از آثار توسعه این بخش بر ایجاد درآمد خانوارهای روستایی ظاهر می‌گردد، از اهمیت بالایی برخوردار است. به علاوه نتایج برآورد ضرایب فزاینده درآمدی نیز بازگو کننده این واقعیت است که توسعه بخش گردشگری نه تنها توان بالایی در افزایش درآمد خانوارهای روستایی دارد بلکه از جهت ایجاد درآمد برای گروه‌های کم و متوسط درآمد روستایی و کاهش شکاف درآمدی نسبت به بخش خدمات حمل و نقل و صادرات کالا دارای اولویت می‌باشد. این نتایج به خوبی جایگاه بخش گردشگری را در بین سایر بخش‌های اقتصادی به ویژه زیربخش‌های صنعتی، از لحاظ پتانسیل بالا در کاهش معضل بیکاری و نابرابری توزیع درآمد آشکار می‌سازد. این نتایج می‌تواند راهنمایی برای هدایت کارای سرمایه در توسعه بخش‌های اقتصادی باشد و بدین ترتیب سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور را در جهت دستیابی به بخشی از اهداف برنامه‌های توسعه یاری بخشد. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاری در بخش خدمات و بویژه سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری به طور عام و گردشگری روستایی به طور خاص در اولویت سیاست‌های دولت قرار گیرد و در این میان ایجاد مراکز بهداشت و امکانات ارتباطی و حمل و نقل مناسب در نواحی روستایی یکی از مهمترین اقدامات در راستای فرآیند توسعه روستایی خواهد بود.

منابع

- اسفندیاری، علی اصغر، (۱۳۷۷) تشخیص صنایع کلیدی بر مبنای شاخص پیوندهای فراز و نشیب در اقتصاد ایران، با استفاده از جدول داده - ستانده، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۲۵ و ۲۶، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، (۱۳۷۷). ص ۱۴-۱۰
- امینی، عباس، سمیرا بختی، فرهاد بابا جمالی، (۱۳۹۴) ارزیابی نگرش جامعه میزبان به توسعه گردشگری در مناطق روستایی، *فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری*، شماره ۳۰.
- بانویی، علی اصغر، محمدرضا یوسفی و حسین ورمزیار. (۱۳۷۷). بررسی روش شناسی پیوندهای پسین و پیشین و تعیین محتوای واردات بخش‌های اقتصادی ایران، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۳۳، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ص ۱۰-۴
- بیدآبادی، بیژن. (۱۳۸۳) ارتباط بین بخشی و هدفگذاری افزایش اشتغال کشور، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۴۶. ص ۱۴-۱۰
- قنبری، سیروس، محمد حسین دهقان، حسین میرکی اناری (۱۳۹۴) ارزیابی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی در گردشگری روستایی، *فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری*، شماره ۳۲. ص ۲۰-۱
- طرازکار، محمدحسن و زیبایی، منصور، بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری مطالعه موردی استانهای فارس و اصفهان و سمنان، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال دوازدهم، شماره ۴۸، ۱۳۸۸. ص ۵
- عطوان، مهدی، ارزیابی قدرت پیش بینی جدول داده ستانده در اقتصاد ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *مجله روند*، سال پانزدهم - شماره ۴۵. ۱۳۸۴، ص ۱۰-۶
- Cai J, Leung P, Mak J. "Tourism's forward and backward linkages". *Journal of Travel Research* 45(1): 2006, p:36-52.
- Cella, G. "The input-output measurement of interindustry linkages", *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 46, 1984, pp. 73-84
- Chen L., Devereux J. "Tourism and welfare in Sub-Saharan Africa: a theoretical analysis". *Journal of African Economies*, 1999 8: 209-227.

Curry S. "Tourism development in Tanzania". *Annals of Tourism Research* **17**(1), 1990, p: 133–149.

David W. Marcouiller, Kwang-Koo Kim, Steven C. Deller . "Natural amenities, tourism and income distribution" *Annals of Tourism Research*, Vol. 31, No. 4, 2004, pp. 1031–1050, 2004 Elsevier Ltd. All rights reserved.

Junning Cai, PingSun Leung, and James Mak . "Tourism's Forward and Backward Linkages". *University of Hawaii at Manoa*. 2008, p: 154

PingSun Leung. "The Linkages of Agriculture to Hawaii's Economy, Economic Issues, E1-4, Honolulu: Cooperative Extension Service, *College of Tropical Agriculture and Human Resources, University of Hawaii at Manoa*. 2002, p: 320-328